



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



01/24/2022

محمدصالح گردش

در پیوند اسم زیری مینگوری

یکی از آفریده های بد اهریمن در آیین زردشتی دیوی ست به نام «زیری مینگوری» چنان که این آفریده بد اهریمنی در فرگرد سیزدهم و نندیداد با همین ادا و نویسه و نیز با اشاره به عمل گردش چنین آمده است: در میان آفریده های بد اهریمن، دیوی زیری مینگوری است که نیمه های شب تا دمیدن خورشید هزاران آفریده سپندمینو را می کشد.

این کلمه ترکیبی که از دو جزء ساخته شده است، ریشه هر دو جزء این اسم در زبان فارسی موجود نیست تا به معنی و مفهوم آن پی برده شود؛ اما ریشه این دو جزء به صراحت و وضاحت در زبان پشتو موجود است. جزء اول آن که زیری می باشد، هیأت های برجا مانده آن در زبان پشتو «خیر» به معنی زیرک و نیز «زیر» به معنی رنگ زرد است. جزء دوم آن که مینگوری است، کلمه «مَنگور» در زبان پشتو به معنی مار از همین ریشه و بُن خواهد بود. فارسی زبانان افغانستان «مار کفچه» را «کفچه مَنگَری» نیز می گویند، که کلمه مَنگَری در این اسم ترکیبی به معنی مار خواهد بود؛ ولی این کلمه در زبان پارسی به تنهایی کدام معنایی در مورد خاص ندارد، یعنی به تنهایی کدام معنا و مفهومی را ارائه نمی دارد. این دیو آفریده اهریمن به یقین که مار بوده است و آن ماری ست که پشتو زبانان، به ویژه مردم ولایت های مشرقی آن مار را به نام «مَنگَری» می شناسند. ماری ست باریک و کوچک و متمایل به رنگ زرد، که می شود آن را از زمرة مار های قلمی دانست. این مار بسیار سریع و چابک و هم در جمع ماران دارای سم بسیار کشنده است. در میان مردم ننگرهار قصه و افسانه یی موجود است که بیان گر کوچکی و هم خطرناکی سم مرگ بار این مار است. روایت می کنند که مردی به نام «آخوند موسی بتی کوتی» که مار گیر و ساحر بزرگ عصر و زمان خود بوده و هر گونه ماری را با سحر و افسون اسیر و در بند می کرده و از مار های مختلف برای خود چپرکت هایی ساخته و به این طریق سبب اذیت و آزار مار ها شده بود و اگر ماری او را نیش می زد، همین که جای نیش را لعاب دهن می نمود بهبود می یافت و زهر مار بی تأثیر می گردید. روزی مار ها در بین خود به مشوره می پردازند که آیا در میان شان چنان ماری پیدا می شود که آخوند موسی را بگذرد و آخوند موسی فرصت و توان لعاب دهن نمودن جای نیش را پیدا ننماید. بعداً از میان مار ها همین مار کوچک مَنگَری عهده دار آن مسئولیت می گردد. وقتی آخوند موسی به نماز صبح می رود، مار مَنگَری در میان بوت اش جا گیر می گردد و بعد از نماز وقتی آخوند موسی بوت اش را در پا می کند، مار مَنگَری نیش اش می زند و آخوند موسی نمی تواند تا دست به دهن نماید و جای نیش را با لعاب دهن بمالد و در دم جان می دهد. رنگ این

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پاروالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکی په خیر و لولی

مار متمایل به زرد است و بسیار ممکن است که کلمه زیری در اسم ترکیبی این دیو کشته به معنی زرد بوده باشد و زیری ممکن است که ریشه کلمه «زیر» در زبان پشتو باشد، زیرا کلمه «زئیری» در اوستا به معنی زرین (منسوب به رنگ زرد) است و این کلمه در وندیداد به هیأت زیری درآمده است. البته که این مار از لحاظ سمی بودن و نیز از لحاظ کوچکی، موجود هول برانگیز و خطرناکی بوده است و قرار شنود، این مار دارای حرکات بسیار تیز و سریع نیز می باشد. همین بوده است که این موجود در باور پیروان آیین مزدیسنا در میان آفریده های بد اهریمن، از نیمه های شب تا دمیدن خورشید هزاران آفریده سپندمینو را می کشته است.

برخلاف این موجود اهریمنی، در کیش زردشتی سگ در میان آفریدگان سپند مینو، آفریده نیک است که از نیمه شب تا دمیدن خورشید هزاران آفریده اهریمن را می کشد. ر. ک: (ریشه و معنی کلمه اوستا. ص 96 همین قلم. به نقل از فرگرد سیزدهم وندیداد)

این مار در ننگرهار و به طور کل در ولایات مشرقی به وفور پیدا می شود و در مناطق دیگر کشور ما به آن کثرت نیست. هم چنان در دره سوات مربوط ایالت خیبر پشتونخوا، شهرکی ست به نام «مینگوره» که ممکن است اسم این ناحیه از ریشه اسم همین مار بوده باشد و ممکن خواهد بود که این ناحیه نیز از بابت داشتن مار های سمی زیر منگری (زیری مینگوری)، در گذشته ها چنین اسمی را به خود گرفته باشد. این هم دلیلی شده می تواند که زادگاه و هم زیستگاه اولیه زردشت در سرزمینی بوده که آن سرزمین به این دو سرزمین نزدیک بوده و زردشت از ویژه گی های این سرزمین ها و مناطق اطلاعات و معلومات کافی داشته است که از جمله یاددهانی دیو زیری مینگوری ست در آئین زردشتی که آن دیو ممکن است همین زرد مار کوچک و خطرناک بوده باشد.

در مناطق پشتون نشین کشور ما به شمول خیبر پشتونخوا نواحی زیادی اند که نام های آن نواحی ریشه به کلمه های کهن دارند و به یک تحقیق و پژوهش گسترده و جداگانه در زمینه نیاز است. در این جا از جمله فقط چند اسم نواحی آن جا را یاد آور می گردم: باجور، ایبت آباد، هنگو، مانسره، سوات، مردان، چارسده، سمکنی، میرانشاه، دند پتان، پکتیا و ...